

رفتار و نگرش متعصبانه

حسین امینی پویا

در تحقیقات علمی نیز مشخص شده است، هیچ روشی مخرب‌تر از روش تفکر متعصبانه و به عبارت دیگر، پیش‌فرض مدارانه نیست.

طلبه‌های گویند: نحن ابناء الدلیل نمیل حیث یمیل؛ ما فرزندان دلیل هستیم. هر جا دلیل برود دنبال آن می‌رویم. دلیل او را به سوی مدعا می‌کشاند ولی نقطه مقابل این است که انسان از مدعا می‌رود به دلیل. یعنی اول مدعا را انتخاب می‌کند، بعد می‌رود برای آن دلیل پیدا کند.

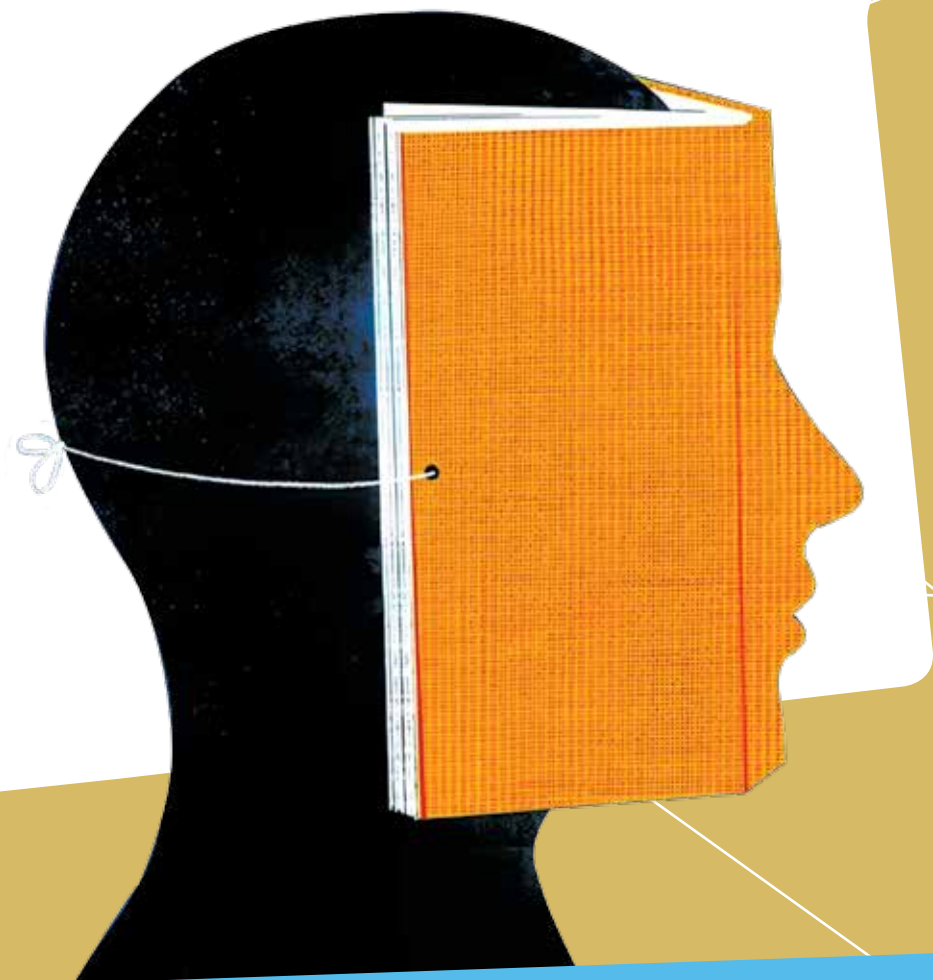
طبعاً آن دلیل‌های پیداکردنی، دلیل‌های ساختگی و تراشیدنی است و دلیل تراشیدنی، دیگر دلیل واقعی نیست و منشأ گمراهی انسان می‌شود.

قرآن نیز یکی از مهم‌ترین آثار منفی تعصب را گمراهی و دست‌نیافتن به حقیقت می‌داند. به‌عنوان نمونه، از تعصبات اعراب جاهلی و پیروی کورکورانه آنان از افکار و عقاید باطل نیاکان یاد می‌کند و آن را مانع اصلی در شناخت درست حقیقت معرفی می‌کند: «چون به آن‌ها می‌گویند از آنچه خداوند نازل کرده است پیروی کنید، گویند: نه ما از آنچه نیاکان خود را بر آن دیده‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا چنین

«تعصب» وابستگی غیرمنطقی و علاقه‌ای غیرعادی و افراطی به یک موضوع خاص، یک ایده، گروه یا فرد است؛ از تعصب به یک تیم ورزشی گرفته تا یک شخصیت سیاسی و یا حتی یک سبک داستانی ویژه. حسی شبیه سرسپردگی با کمترین میزان تفکر و تحلیل انتقادی. یعنی فرد متعصب شدیداً در برابر آنچه که این ایده یا عقیده و علاقه‌اش را زیر سؤال ببرد مقاومت می‌کند. با رفتاری خارج از اعتدال بدون هیچ منطقی، نسبت به موضوع مورد نظرش، واکنشی احساسی از خود نشان می‌دهد و بی‌چون و چرا از آن دفاع می‌کند.

حتماً در زندگی خود با برخی از این نوع افراد مواجه شده‌اید. فرضاً دیده‌اید که یک متعصب ورزشی فوتبال در دفاع از تیم مورد علاقه‌اش، چگونه با طرفداران تیم مقابل درگیری می‌شود. حتی به وسایل نقلیه عمومی نیز زخم نمی‌کند و به تخریب آن‌ها دست می‌زند و ...

می‌بینید که همین علاقه شدید و افراطی می‌تواند چه پیامدهای منفی اخلاقی و اجتماعی به همراه داشته باشد. از تعصب و جمود فکری نیز نباید غافل بود. تعصبی این چنین، افراد را به ایستادن و توقف در توهّمات و ذهنیات خودساخته‌ای وادار می‌کند که هیچ مبنا و پایه منطقی ندارند.



باید کنند؛ هر چند نیاکانشان چیزی درك نمی‌کرده‌اند و گمراه بوده‌اند» (بقره/ ۱۷۰).

بله باید در عرصه پژوهش نیز بی‌تعصب بود و دانست که تعصب در این مورد مانند ترمزی است که جلوی حرکت و نوزایی فکر را می‌گیرد. پس آدمی نباید در مواجهه با تازه‌ها و ناشناخته‌ها از همان ابتدا موضع منفی بگیرد، بلکه باید به مطالعه آن‌ها بپردازد و اگر مورد مفید و درستی بیابد، آن را بپذیرد. این آموزه‌ای قرآنی است: «به بندگانم بشارت ده همان‌ها که به سخن (ها) گوش می‌دهند و آنگاه از بهترین آن پیروی می‌کنند» (زمر/ ۱۸).

این‌گونه است که دغدغه مؤمن در همه جا دستیابی به حقیقت است و هر جا آن را بیابد، تسلیم آن می‌شود.

راه‌هایی و دوری از تعصبات منفی

از راهکارهای مؤثر و کاربردی همان داشتن روحیه عدالت‌طلبی، حق‌جویی و تقویت آن است؛ یعنی توجه به توصیه حضرت امام علی(ع) که فرموده است: «اعدل فی

العدو و الصدیق»؛ با دوست و دشمن عدالت بورز (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۴۱).

و نیز توجه به سفارش پیامبر(ص) که: «حق را از هر کسی که برایت آورد - کوچک باشد یا بزرگ - بپذیر؛ هر چند دشمنت باشد. و باطل را - کوچک باشد یا بزرگ - هر که بگوید به خودش برگردان؛ هر چند دوستت باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۳۳۵).

راه دورماندن و مصونیت از تعصب‌ها در همه زمینه‌ها همین است: به دنبال حقیقت‌بودن و تسلیم آن شدن. مشکل همین‌جاست. این شیوه و سلوک را باید در همه مرحله‌های زندگی مدنظر داشت. آن را تمرین کرد و سبک زندگی را بر آن استوار ساخت.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان‌الحکمه، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث، قم، چاپ هفتم.